

4-83

ORIGINAL DOCUMENTS IN SAFE

Case No. 4

Date of filing: 13/7/99

** AWARD - Type of Award partial Award
 - Date of Award 13 July 90
 _____ pages in English 17 pages in Farsi

** DECISION - Date of Decision _____
 _____ pages in English _____ pages in Farsi

** CONCURRING OPINION of _____
 - Date _____
 _____ pages in English _____ pages in Farsi

** SEPARATE OPINION of _____
 - Date _____
 _____ pages in English _____ pages in Farsi

** DISSENTING OPINION of _____
 - Date _____
 _____ pages in English _____ pages in Farsi

** OTHER; Nature of document: _____

- Date _____
 _____ pages in English _____ pages in Farsi

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL
PARTIAL AWARD

Case No. 4

Chamber Three

پرونده شماره ۴

شعبه سه

حکم شماره ۴-۴-۴۸۷

DUPLICATE
ORIGINAL
نسخه برابر اصل

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دیوان داری دعاری ایران - ایالات متحدہ
FILED	ثبت شد
DATE	13 JUL 1990
	تاریخ ۱۳۶۹ / ۴ / ۲۲

رضا نمازی و

لوز بلن نمازی ،

خواهاتنها،

- و -

جمهوری اسلامی ایران ،

خوانده.

English version
Filed on 10 JUL 1990
1369 / 4 / 19 نسخه انگلیسی در تاریخ ۱۳۶۹ / ۴ / ۱۹
ثبت شده است.

حکم جزئی

اول. جریان رسیدگی

۱ - در تاریخ ۲۸ مهرماه ۱۳۶۰ [۲۰ اکتبر ۱۹۸۱] خواهانها، رضا نمازی و لوز بن نمازی، دادخواستی علیه جمهوری اسلامی ایران ("ایران") تسلیم و مبلغ ۵۲۵،۰۰۰،۰۰۰/- دلار امریکا بابت مصادره ادعایی اموال خود در ایران مطالبه کردند. ایران در تاریخ ۲۴ اردیبهشت ماه ۱۳۶۱ [۱۴ مه ۱۹۸۲] دفاعیه‌ای ثبت نمود.

۲ - خواهانها اظهار می‌دارند که تبعه ایالات متحده می‌باشند. خواننده در لایحه دفاعی خود اظهار داشته است که لوز بن نمازی به دلیل ازدواج با یک تبعه ایران و رضا نمازی به دلیل تولد در این کشور، طبق قوانین ایران دارای تابعیت ایرانی هستند و بنابراین نمی‌توانند علیه ایران در این دیوان اقامه دعوا نمایند.

۳ - در تاریخ ۲۱ خردادماه ۱۳۶۱ [۱۱ ژوئن ۱۹۸۲] دیوان به طرفین دستور داد که لوایحی به ویژه در خصوص موضوعات مربوط به تابعیت که خواننده مطرح نموده، تسلیم نمایند. در اول مهرماه ۱۳۶۱ [۲۳ سپتامبر ۱۹۸۲] خواهانها پیرو دستور فوق لایحه‌ای ثبت کردند.

۴ - در دهم آبان‌ماه ۱۳۶۱ [اول نوامبر ۱۹۸۲]، خواهانها برای آنکه خسارات وارده به خود را به نحو بایسته در دیوان تشریح نمایند، از دیوان درخواست کردند که ایران را ملزم کند که مدارک، مستندات و سایر اسنادی را که حسب ادعا توسط ایران در جریان سلب مالکیت اموال خواهانها، ضبط گردیده، ارائه نماید. در پاسخ به درخواست فوق، خواننده در ۲۰ دیماه ۱۳۶۱ [دهم ژانویه ۱۹۸۳] از دیوان تقاضا

کرد که موضوع صلاحیت را به عنوان یک امر مقدماتی بررسی کند. در ۱۸ اسفندماه ۱۳۶۱ [نهم مارس ۱۹۸۳]، دیوان با صدور دستوری اعلام نمود که درخواست خواهانها را مبنی بر ارائه مدارک، بعد از اخذ تصمیم درباره موضوع تابعیت، مورد رسیدگی قرار خواهد داد.

۵ - در تاریخ ۱۷ فروردین ماه ۱۳۶۳ [ششم آوریل ۱۹۸۴] هیئت عمومی طی تصمیم شماره ۳۲- الف ۱۸- دیوان عمومی، مورخ ۱۷ فروردین ماه ۱۳۶۳ [ششم آوریل ۱۹۸۴] متخذ در پرونده شماره الف ۱۸ (منتشره در 5 Iran-U.S. C.T.R. 251) نظر داد که دیوان "صلاحیت رسیدگی به دعاوی اتباع مضاعف (اتباع ایران و ایالات متحده) علیه ایران را در مواردی دارد که تابعیت غالب و موثر خواهان طی دوره ذیربط (از تاریخ ایجاد ادعا تا ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ / ۲۹ دی ماه ۱۳۵۹) تابعیت ایالات متحده بوده [باشد]."

۶ - در هفتم تیرماه ۱۳۶۴ [۲۸ ژوئن ۱۹۸۵] دیوان به خواهانها دستور داد که کلیه ادله و مدارک دیگری را که مایلند دیوان در تعیین موضوعاتی از جمله تابعیت غالب و موثر آنان مورد بررسی قرار دهد، به ثبت رسانند. بدنبال تسلیم لایحه خواهانها در نهم مردادماه ۱۳۶۴ [۳۱ ژوئیه ۱۹۸۵]، دیوان در تاریخ ۱۶ مردادماه ۱۳۶۴ [هفتم اوت ۱۹۸۵] مقرر نمود که خوانده "کلیه مدارکی را که مایلست دیوان در مورد تابعیت خواهان مورد رسیدگی قرار دهد" ثبت کند. در ۲۴ فروردین ماه ۱۳۶۷ [۱۳ آوریل ۱۹۸۸] ایران لایحه خود را تسلیم کرد.

۷ - در هشتم اردیبهشت ماه ۱۳۶۷ [۲۸ آوریل ۱۹۸۸] دیوان با صدور دستوری از خواهانها دعوت نمود که نسبت به لایحه ایران اظهارنظر کرده، مدارک بیشتری را

تسلیم نمایند (۱) و از خوانده نیز دعوت کرد که درباره آنها متعاقبا اظهار نظر نماید. خواهانها در پنجم مردادماه ۱۳۶۷ [۲۷ ژوئیه ۱۹۸۸]، و خوانده در پنجم آبانماه ۱۳۶۷ [۲۷ اکتبر ۱۹۸۸] پاسخ خود را ثبت کردند.

۸ - در ۲۳ آبانماه ۱۳۶۷ [۱۴ نوامبر ۱۹۸۸] خواهانها با تاخیر پاره‌ای "اسناد اضافی درباره ملیت متقاضیان [خواهانها]"، ثبت و اعلام کردند که این اسناد اخیرا در بایگانی اداره گذرنامه وزارت امور خارجه ایالات متحده یافت شده است. بعد از چندین مکاتبه بین دیوان و طرفین درباره موضوعات شکلی، خوانده پاسخ خود را به اسناد فوق‌الذکر در ۳۱ فروردینماه ۱۳۶۸ [۲۰ آوریل ۱۹۸۹] تسلیم نمود.

دوم. شرح وقایع

الف - لوز بلن نمازی

۹ - لوز بلن نمازی در تاریخ ۲۱ فروردینماه ۱۳۰۰ [دهم آوریل ۱۹۲۱] در پورتوریکو متولد شد. والدین وی نیز هر دو متولد پورتوریکو بودند. وی تا سپتامبر ۱۹۴۴ که برای تحصیل در دانشگاه شیکاگو عازم شیکاگو در ایالت ایلینوی گردید، در پورتوریکو

(۱) دیوان از لوز بلن نمازی درخواست کرد که مدارک زیر را ارائه نماید: ۱- نسخه کاملی از شناسنامه ایرانی خود، ۲- مدارک ثبت نام خود و فرزندانش در سفارت امریکا در ایران، ۳- مدارک داشتن محل سکونت و اموال در پورتوریکو و ۴- مدارک سفرهای خود به پورتوریکو و ایالات متحده در مدت اقامت در ایران، از جمله نسخ کاملی از گذرنامه‌های قبلی امریکایی و ایرانی خود. دیوان از رضا نمازی درخواست کرد که مدارک زیر را ارائه نماید: ۱- مدارک اشتغال به تحصیل و دانشنامه‌های تحصیلی از کالجها و دانشگاههای مختلف امریکایی، ۲- مدارک مربوط به گذرنامه امریکایی از سن دوازده سالگی به بالا و ۳- جزئیات مربوط به اقامت و اشتغال در ایران بین نوامبر ۱۹۷۸ تا اوت ۱۹۷۹.

بسر می‌برد. نامبرده در آنجا با حسین نمازی که تبعه ایران بود، آشنا شد و در ۱۳ آبان‌ماه ۱۳۲۳ [چهارم نوامبر ۱۹۴۴] با وی ازدواج کرد. زن و شوهر بعد از پایان تحصیلات خود در ۱۹۴۶ و اقامت کوتاهی در ایالت مریلند، به هنگ کنگ نقل مکان کرده و تا پایان سال ۱۹۴۷ در آنجا بسر بردند و صاحب اولین فرزند خود، دختری بنام روشن شدند. لوز بلن نمازی در مدت اقامت در هنگ کنگ گذرنامه آمریکایی گرفت.

۱۰ - در دسامبر ۱۹۴۷ لوز بلن نمازی به اتفاق شوهرش به تهران نقل مکان و در ۱۵ دی‌ماه ۱۳۲۶ [پنجم ژانویه ۱۹۴۸] نام خود و دخترش روشن را در سفارت آمریکا در تهران ثبت کرد. در ۲۴ آذرماه ۱۳۲۸ [۱۵ دسامبر ۱۹۴۹] نامبرده گذرنامه خود را اصلاح و نام پسر خود رضا (خواهان مشترک پرونده حاضر) را که در ۳۱ شهریورماه [۲۲ سپتامبر] همانسال در تهران متولد شده بود، در آن درج کرد. لوز بلن نمازی مدارکی ارائه کرده دایر بر اینکه از آن بی‌بعد، گذرنامه و ثبت نام خود و فرزندانش را مرتباً تجدید کرده است. وی در اغلب تقاضانامه‌های مربوطه نشانی اقامتگاه قانونی خود را پورتوریگو و محل سکونت خود را ایران ذکر کرده است.

۱۱ - لوز بلن نمازی در طول اقامت خود در ایران، در فعالیتها و سازمانهای جامعه آمریکاییان مقیم ایران فعالانه شرکت داشت و فرزندان خود را که با آنها فقط به زبان انگلیسی صحبت می‌کرد، به مدارس آمریکایی در تهران می‌فرستاد. وی اظهار می‌دارد که از سال ۱۹۵۴ به بعد، هر دو سال یکبار به آمریکا سفر می‌کرد و پس از آنکه رضا تحصیلات خود را در ایالات متحده شروع کرد، تعداد این سفرها بیشتر شد و در تأیید اظهارات فوق، شهادتنامه‌های بستگان و دوستانش را در پورتوریگو ارائه کرده است. نسخه‌ای از گذرنامه آمریکایی وی که در ۱۹۷۵ صادر شده حاکی از آنست که نامبرده در سالهای ۱۹۷۶، ۱۹۷۷، ۱۹۷۸، و ۱۹۷۹ به ایالات متحده سفر کرده است.

۱۲ - مهر مندرج در شناسنامه ایرانی لوز بلن نمازی که در سال ۱۳۴۵ [۱۹۶۷] صادر شده، دال بر آنست که نامبرده در انتخابات سال ۱۳۵۴ [۱۹۷۵] در ایران راعی داده است. او در سال ۱۹۷۹ گذرنامه ایرانی گرفت که به ادعای وی، برای خروج از ایران ضروری بوده است. در ۲۰ آبان‌ماه ۱۳۵۸ [۱۱ نوامبر ۱۹۷۹] نامبرده به اتفاق همسرش با ویزای سوئیس به قصد اقامت در امریکا ایران را ترک کرد.

ب - رضا نمازی

۱۳ - رضا نمازی در ۳۱ شهریورماه ۱۳۲۸ [۲۲ سپتامبر ۱۹۴۹] متولد گردید و در نوامبر ۱۹۴۹ در کلیسای میسیون امریکایی در تهران غسل تعمید داده شد و نامش در دسامبر همانسال بعنوان فرزندی که از یکی از والدین امریکایی در خارج از کشور متولد شده، در سفارت ایالات متحده ثبت گردید. بین سنین چهار و دوازده سالگی وی به مدارس امریکایی در تهران رفت و در فعالیتها و سازمانهای مختلف جوانان که متمایل به [فرهنگ و جامعه] آمریکا بود، شرکت داشت. شهادتنامه‌هایی از اقوام و دوستان وی در پورتوریکو تسلیم شده که گواهی می‌کند رضا در سفرهای بعد از سال ۱۹۵۴ به پورتوریکو، همراه مادرش بوده است.

۱۴ - در سال ۱۹۶۲ رضا نمازی برای ادامه تحصیل، از ایران به مدرسه براینستن در انگلستان فرستاده شد. در آن زمان وی گذرنامه امریکایی گرفت و در ۱۹۶۵ آنرا تجدید نمود. وی بجز تعطیلاتی که در ایران می‌گذراند، تا سال ۱۹۶۶ در انگلستان اقامت داشت.

۱۵ - در سال ۱۹۶۶ رضا نمازی برای تحصیل در مدرسه سن فورد در شهر هاکزین در ایالت دله‌ور، به ایالات متحده نقل مکان کرد و دیپلم سال دوازدهم خود را از آن

مدرسه گرفت. در پاییز ۱۹۶۷ وی به کالج هوبارت در ایالت نیویورک رفت و تا سال ۱۹۷۱ در آنجا تحصیل کرد و موفق به اخذ درجه لیسانس در رشته روانشناسی گردید. سپس تا سال ۱۹۷۳ در دانشگاه ایالتی آزوگو در نیویورک به تحصیلات خود در سطح فوق لیسانس ادامه داد و درجه فوق لیسانس در رشته روانشناسی دریافت کرد. از سال ۱۹۷۳ تا سال ۱۹۷۸ وی به تحصیلات خود ادامه داد و در دانشگاه سیراکوز که آن نیز در ایالت نیویورک واقع است، روی رساله [دکترای] خود کار کرد. از سال ۱۹۷۷ به بعد، وی به عنوان بخشی از آموزش حرفه‌ای خود در کلینیکی در ریچموند، واقع در ویرجینیا مشغول به کار شد. در ماه مه ۱۹۷۸ موفق به اخذ درجه دکترا گردید و مدارک تحصیلی خود را به تائید سفارت ایران در واشنگتن رسانید. رضا نمازی تا آن هنگام به عضویت تعدادی سازمان حرفه‌ای آمریکایی درآمده بود.

۱۶ - در سپتامبر ۱۹۷۷، رضا نمازی درخواست صدور گواهی شهروندی ایالت متحده کرده و آنرا دریافت نمود. گواهی مزبور دلالت بر آن دارد که نامبرده از بدو تولد، شهروند ایالات متحده بوده است^(۲). وی گذرنامه بعدی آمریکایی خود را در ژانویه ۱۹۷۸ دریافت کرد.

۱۷ - در اوایل سال ۱۹۷۸ دکتر فتح‌الله سمیعی، نماینده مقیم وزارت بهداری و

(۲) رضا نمازی مدعی است که وی بدین علت درخواست گواهی شهروندی کرد که اشتباهاً تصور می‌نمود در سن هیجده سالگی شهروندی ایالات متحده را از دست داده است و فقط بعد از پنج سال اقامت در آمریکا می‌تواند مجدداً آنرا بدست آورد. نامبرده در این باره توضیح می‌دهد که در انقضای اعتبار گذرنامه آمریکایی‌اش در ۱۹۶۶ که با استفاده از آن به آمریکا سفر می‌کرد، تصور می‌نمود که برای ورود به آمریکا باید تا چندین سال از گذرنامه ایرانی استفاده کند.

بهزیستی در سفارت ایران در واشنگتن، رضا نمازی را برای تدریس در رشته روانشناسی بالینی در مرکز پزشکی شاهنشاهی که قرار بود در تهران تأسیس شود، استخدام کرد. طبق اظهار رضا نمازی، وی این پیشنهاد را از آن جهت پذیرفت که مرکز مذکور "وابسته به دانشگاه پنسیلوانیا و مدرسه پزشکی کرنل (هر دو در ایالات متحده) بود و این امر بر ارزش سابقه کار من در امریکا به طور قابل ملاحظه‌ای میافزود". رضا نمازی در نوامبر ۱۹۷۸ به تهران بازگشت، ولی تأسیس مرکز پزشکی شاهنشاهی، به دلیل اوضاع و احوال سیاسی جامه عمل نپوشید. ایران اظهار می‌دارد که رضا نمازی در دانشکده پزشکی دولتی دیگری به کار مشغول شد.

۱۸ - در ماه آوریل ۱۹۷۹ رضا نمازی در ایران با یک ایرانی ازدواج کرد. مه‌ری که در شناسنامه ایرانی وی دیده می‌شود حاکی از آنست که نامبرده در فراندی می که در همان ماه در ایران برگزار شد شرکت کرده است، اگرچه خود وی اظهار می‌دارد که کارمندان پدرش شناسنامه او را به حوزه انتخاباتی بردند تا صرفاً آنرا مهر کنند.

۱۹ - در ۲۸ خردادماه ۱۳۵۸ [۱۸ ژوئن ۱۹۷۹] رضا نمازی ورقه معافیت خود را از خدمت نظام وظیفه در ایران گرفت. وی مدعی است که برای خروج از ایران، به این ورقه و نیز به گذرنامه ایرانی نیاز داشت. نامبرده پس از اینکه در ۲۷ تیرماه ۱۳۵۸ [۱۸ ژوئیه ۱۹۷۹] گذرنامه ایرانی خود را دریافت کرد، در اوت ۱۹۷۹ به اتفاق همسرش ایران را ترک کرد. این زوج از تاریخ مراجعت به امریکا صاحب دو فرزند شده‌اند و رضا نمازی فعالیت‌های حرفه‌ای خود را در آن کشور از سر گرفته است.

سوم. تصمیم دیوان

الف - لوز بلن نمازی

۲۰ - دیوان باید ابتدا تعیین کند که آیا لوز بلن نمازی از تاریخ بروز ادعا تا ۲۹ دی ماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] تبعه ایالات متحده بوده است، یا تبعه ایران، یا تبعه هر دو کشور. چنانچه دیوان به این نتیجه برسد که وی دارای هر دو تابعیت است، آنگاه باید تعیین کند که کدامیک از دو تابعیت وی در طول مدت ذیربطه تابعیت "غالب و موثر" بوده و در نتیجه، از لحاظ صلاحیت دیوان در جریان رسیدگی حاضر، باید تعیین کننده شناخته شود. تصمیم شماره ۳۲- الف ۱۸- دیوان عمومی، ص ۲۵، متخذ در پرونده شماره الف ۱۸ (منتشره در 5 Iran-U.S. C.T.R. at 265)*

۲۱ - بحثی نیست که لوز بلن نمازی به دلیل ازدواجش با یک ایرانی، تبعه ایران است. در عین حال از سوابق امر روشن است که وی تبعه ایالات متحده [نیز] می باشد. بطوری که گواهی تولد و گذرنامه امریکایی نامبرده نشان می دهد، وی در پورتوریکو از والدین متولد آن سرزمین تولد یافته و بنابراین به استناد هر دو دلیل فوق، تبعه ایالات متحده محسوب می شود. مضافاً هیچ مبنایی برای اعلام این نظر وجود ندارد که نامبرده هیچگاه تابعیت آمریکایی خود را از دست داده باشد (۳).

(۳) خواننده اظهار می دارد که تابعیت امریکایی لوز بلن نمازی فاقد اعتبار است زیرا، حسب ادعا، مبتنی بر اعمال نادرست قوانین تابعیت امریکا بوسیله مقامات امریکایی، بخصوص قوانین مربوط به اهالی پورتوریکو می باشد. لوز بلن نمازی براساس قوانین ذیربطه، این ادعا را رد می کند. بهر تقدیر، در غیاب دلایل آشکار برای تردید در صحت گواهی شهروندی، دیوان های بین المللی موظف نیستند راجع به ماهیت قوانین داخلی کشوری که بر اساس آن، تابعیت اعطاء شده، و یا در مورد انطباق این قوانین با اقداماتی که به استناد آنها کشور مورد بحث، تابعیت اعطاء کرده، تحقیق نمایند، چون هر دوی این موضوعات در قلمروی صلاحیت قضایی داخلی [کشورها] قرار می گیرند. ارائه مدارک متقن دال بر اعطای شهروندی، برای تصمیم گیری دیوان کفایت می کند.

۲۲ - بدین ترتیب، مساله موعثر در مقام، تعیین تابعیت غالب و موعثر لوز بلن نمازی در مدت ذیربط است. دیوان در رأی صادره در پرونده شماره الف ۱۸، خاطر نشان ساخت که تعیین تابعیت غالب و موعثر خواهان مستلزم در نظر گرفتن "کلیه عوامل ذیربط و از جمله محل اقامت معمولی، مرکز علائق و منافع، پیوندهای خانوادگی، مشارکت در زندگی عمومی و سایر شواهد وابستگی" است. همان ماعخذ. در رأی صادره توسط شعبه حاضر در قرار اعدادی شماره ۳-۱۹۳-۶۸ مورخ دوم تیرماه ۱۳۶۷ [۲۳ ژوئن ۱۹۸۸]، بند ۱۴، در پرونده رضا سعیدمالک و جمهوری اسلامی ایران، (منتشره در 48, 51 Iran-U.S. C.T.R. 19) دیوان نظر داد که گرچه فاصله زمانی بروز ادعا تا ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] حائز اهمیت فراوان است، ولی، این "تنها مدتی نیست که باید در تعیین" تابعیت غالب و موعثر خواهان مدنظر قرار گیرد. "در واقع، تمام عمر خواهان از بدو تولد، و کلیه عواملی که در فاصله این مدت، بر واقعیت و خلوص نیت او در انتخاب تابعیت مورد ادعای وی دلالت داشته باشند، حائز اهمیت هستند." همان ماعخذ.

۲۳ - دیوان قبل از اعمال ضابطه فوق نسبت به واقعیات امر، خاطر نشان می‌سازد که طرفین در مورد تاریخ ادعایی بروز دعوا که سرآغاز دوره ذیربط برای تعیین تابعیت غالب و موعثر خواهان توسط دیوان قرار می‌گیرد، اختلاف نظر دارند. خواهانها اظهار می‌دارند که اموال آنان در ماه ژانویه ۱۹۸۰ صادره گردید، حال آنکه خواننده می‌گوید که صادره مورد بحث مربوط به اموال پدر شوهر لوز بلن نمازی (پدر بزرگ رضا نمازی) و خویشاوندان بلافصل وی بوده و در آوریل ۱۹۷۹ صورت گرفت. دیوان معتقد است که طرفین هنوز تاریخ ادعایی سلب مالکیت را در لوایح خود به تفصیل مورد بحث قرار نداده‌اند. علاوه بر آن، در اعمال ضابطه مقرر در پرونده مالک، همان ماعخذ (منتشره در 51 Iran-U.S. C.T.R. 19)، دیوان با بررسی سوابق مربوط به لوز بلن و رضا نمازی، تاریخ بروز ادعا را، چه آوریل ۱۹۷۹ باشد و چه ژانویه ۱۹۸۰، حائز اهمیت فراوان در تعیین تابعیت غالب و

مؤثر [خواهانها] نمی‌داند. بر این اساس، دیوان بررسی موضوع فوق را به رسیدگی‌های بعدی این پرونده موکول می‌کند.

۲۴ - دیوان اکنون به تجزیه و تحلیل موضوع بازگشته ملاحظه می‌کند که واقعیات مربوط به لوز بلن نمازی این سؤال را برمی‌انگیزد که آیا ممکن است فردی که به تبع ازدواج با تبعه کشوری، متجاوز از سی سال در آن کشور زندگی کرده، هنوز هم بتواند تابعیت غالب کشور دیگری را حفظ کند یا خیر. گرچه ممکن است چنین فردی صرفاً به علت اقامت طولانی در کشور جدید، به آن دلبستگی عاطفی پیدا نکرده باشد، اما یک چنین اقامت طولانی می‌تواند این اثر را داشته باشد که آن فرد را از ریشه‌ها و علائق اولیه خود بیگانه کند. موضوعی که برای دیوان مطرح است این است که آیا لوز بلن نمازی به اندازه کافی در مقابل چنین اثری مقاومت کرده که غلبه تابعیت اولیه امریکایی خود را حفظ کرده باشد یا خیر. دیوان در سنجش این موضوع، عواملی از جمله عوامل زیر را مورد توجه قرار می‌دهد:

۲۵ - پیوندهای فرهنگی لوز بلن نمازی با امریکا که در اثر تربیت و تحصیل در آن کشور بوجود آمده بود، از تمایل وی به شرکت در فعالیتهای جامعه امریکایی در تهران مشهود بود. وی فرزندان خود را که با آنها به زبان انگلیسی مکالمه می‌کرد، به مدارس امریکایی در تهران و سپس رضا را برای ادامه تحصیل به انگلستان و امریکا فرستاد. درخواستهای متعدد صدور و تمدید گذرنامه امریکایی که لوز بلن نمازی تسلیم کرده، گویای قصد وی به پای بندی به تابعیت امریکایی است. بعد از سال ۱۹۵۴، وی ظاهراً هر دو سال یکبار به امریکا سفر کرده است. گذرنامه امریکایی وی که در سال ۱۹۷۵ صادر شده، نشان می‌دهد که او قبل از ترک ایران در سال ۱۹۷۹، در سالهای ۱۹۷۶، ۱۹۷۷ و ۱۹۷۸ به دفعات به امریکا سفر کرده است. مجموعه این عوامل نشانگر آنست که لوز بلن نمازی قصد داشته است پیوندهای خود را با امریکا حفظ کند و در محیط خانه [فرزندانش را] به ارج نهادن بر مظاهر

فرهنگ امریکا وادارد.

۲۶ - در عین حال، دیوان باید به واقعیات زیر نیز توجه کند. لوز بلن نمازی با آنکه مدعی حفظ اقامتگاهی در پورتوریکو است، با اینحال در فرمهای درخواست خود، آدرس اقوامش را ذکر کرده و در لوایح خود، ادعای مالکیت اموالی را در پورتوریکو یا هر نقطه دیگری در ایالات متحده ندارد. وابستگیهای شوهر وی ریشه در جامعه ایران داشت و دارایی معتنابه خانواده شوهرش عمدتاً در ایران متمرکز بود. اغلب درخواستهای وی برای صدور یا تمدید گذرنامه آمریکایی قرینه‌ای بدست نمی‌دهد که وی قبل از سال ۱۹۷۹ قصد مراجعت همیشگی به ایالات متحده داشته باشد. به عنوان مثال، در پاسخ به سؤال مندرج در فرم سال ۱۹۶۷ دایر براینکه: "در نظر دارم اقامت خود را در خارج به مدت و به منظور زیر ادامه دهم" وی نوشت: "برای مدتی نامحدود (به علت ازدواج با یک نفر ایرانی)". علاوه بر آن، دیوان ملاحظه می‌کند که طبق مهری که در شناسنامه ایرانی لوز بلن نمازی مندرج است، وی در انتخابات سال ۱۳۵۴ [۱۹۷۵] ایران شرکت کرده و تنها بعد از وقوع بحران گروگانگیری، ایران را ترک کرده و نیز دختری داشته که تا سال ۱۹۷۹ در ایران می‌زیسته است.

۲۷ - نتیجه گرفته می‌شود که تماس لوز بلن نمازی با فرهنگ و جامعه امریکا، طی سالهای اقامت در ایران، در مقایسه با اثراتی که ایران بر او داشته، ناچیز بوده است. مقایسه کنید با : بند ۱۶ حکم شماره ۳-۸۳۱-۴۲۷ مورخ نهم تیرماه ۱۳۶۸ [۳۰ ژوئن ۱۹۸۹] صادره در پرونده آنیتا پری - روحانی، و سایرین، و دولت جمهوری اسلامی ایران، و سایرین، (منتشره در ___، ___، Iran-U.S. C.T.R. ___). بنابراین، بعد از ورود به امریکا در سال ۱۹۷۹، مدت زمانی به طول می‌انجامد تا نامبرده بتواند بطور کامل جذب جامعه امریکا شود به گونه‌ای که آثار سالیان اقامت با همسرش در ایران و اثرات جامعه و

فرهنگ ایرانی در وی خنثی گردد.

۲۸ - اگر چه مدارک له و علیه این موضوع در پرونده حاضر، من حیثالمجموع نزدیک است، با این وصف دیوان نتیجه می‌گیرد با آنکه لوز بلن نمازی در اصل امریکایی بوده و مشارکت وی در زندگی اجتماعی، رنگ امریکایی داشته، معیناً این عوامل بر پیوندهای ایرانی‌ای که طی بیش از سی سال اقامت در ایران به عنوان عضو یک خانواده ایرانی در وی ایجاد شده، غلبه نمی‌کند. دیوان نتیجه می‌گیرد که نامبرده نتوانسته است ثابت کند که تابعیت غالب و موثر وی در طول دوره ذریبط تابعیت ایالات متحده بوده است.

ب - رضا نمازی

۲۹ - رضا نمازی به لحاظ محل تولد و تابعیت ایرانی پدر خود، طبق قوانین ایران تبعه این کشور محسوب می‌شود. در عین حال، وی به لحاظ تابعیت امریکایی مادر خود، و به استناد گواهی‌نامه شهروندی ایالات متحده و گذرنامه‌های امریکایی خود، تبعه آن کشور نیز بحساب می‌آید. هیچ مبنایی برای اعلام این نظر وجود ندارد که نامبرده هیچگاه تابعیت امریکایی خود را از دست داده باشد. (رجوع کنید به : زیرنویس شماره ۳ فوق)

۳۰ - بدین ترتیب، موضوع موثر در مقام، تعیین تابعیت غالب و موثر رضا نمازی است. بدین منظور، دیوان اینک باید ضوابطی را که پیشتر در حکم حاضر برشمرده (رجوع کنید به بند ۲۲ بالا) نسبت به واقعیاتی که به دیوان ارائه شده اعمال نماید.

۳۱ - به نظر دیوان، تحصیل رضا نمازی در مدارس امریکایی در تهران، خروج وی از ایران در سن دوازده سالگی، و تحصیلات و سایر فعالیت‌های وی از سال ۱۹۶۷ الی

۱۹۷۸ در آمریکا، سبب شده است که تابعیت غالب و موثر وی در پایان این دوره، اگر نه پیش از آن، تابعیت امریکایی باشد. با آنکه رضا نمازی اوان کودکی خود را در ایران گذراند، ولی به صورت یک کودک معمول ایرانی پرورش نیافت و آنچنان تشویق به جذب در فرهنگ ایرانی نیز نشد. مقایسه کنید با : بند ۱۴ حکم شماره ۳-۱۶۳-۴۲۴ مورخ ۲۶ خردادماه ۱۳۶۸ [۱۶ ژوئن ۱۹۸۹] صادره در پرونده میشل دانیال پور و دولت جمهوری اسلامی ایران (منتشره در — Iran-U.S. C.T.R. —)، مضافاً اینکه رضا نمازی در طول اقامت در آمریکا، تحصیلات دوره لیسانس، فوق لیسانس و دکترای خود را انجام داد و مشغول بکار شد. تقریباً کلیه سنین بزرگسالی رضا نمازی بین ۱۷ سالگی تا ۲۹ سالگی در آمریکا گذشته و مدارک پرونده نشان می‌دهد که وی عامدانه جذب جامعه آمریکا شده است. بنابراین موضوعی که دیوان باید بررسی کند اینست که آیا بازگشت رضا نمازی به ایران برای مدت نه ماه از نوامبر ۱۹۷۸ الی اوت ۱۹۷۹ کافی بوده است که غلبه تابعیت غالب و موثر امریکایی وی را زایل کند یا خیر.

۳۲ - رضا نمازی اظهار می‌دارد که وی عمدتاً به آن دلیل به ایران بازگشت که کار در مرکز پزشکی شاهنشاهی در تهران فرصتهای بهتری را در آینده برای اشتغال در حرفه خود در آمریکا برای او فراهم می‌کرد. گرچه درست به نظر می‌رسد که مرکز مزبور قرار بود به دو دانشکده پزشکی مشهور آمریکا وابسته گردد، و رضا نمازی برای تصدی آن شغل انتخاب شده بود، و قرار بر این بود که فقط به زبان انگلیسی تدریس کند و عضو چندین انجمن حرفه‌ای آمریکا بود، معیذاً این سوآل نیز تا حدودی باقی می‌ماند که چرا فردی که مدعی است طالب ایجاد سابقه شغلی برای خود در آمریکا بوده، درست در آغاز ایجاد چنین سابقه‌ای، یعنی بعد از تکمیل تحصیلات مفصل خود در آمریکا، این کشور را ترک کرده است.

۳۳ - یک پاسخ محتمل به سوال فوق اینست که رضا نمازی به ایران بازگشت تا پیوندهای خود را در ایران مستحکم سازد. ازدواج وی با یک خانم ایرانی، اندکی بعد از مراجعت به تهران، این نظر را تأیید می‌کند. عامل دیگری که باید مد نظر قرار گیرد، علائق تجاری وسیع خانواده وی در ایران است که به روال معمول، بخشی از آنرا وی در آینده به ارث می‌برد. نظر دیوان اینست که ترک امریکا ولو فی‌نفسه دلالت برانتخاب آینده‌ای در ایران نداشت، اقدامات وی دست کم، شرائطی را بوجود می‌آورد که احیاناً به چنین انتخابی منجر می‌شد.

۳۴ - با اینحال، هر برنامه‌ای از این دست که رضا نمازی احیاناً طرح‌ریزی کرده بود، با رویداد تغییرات بنیادی در ایران دگرگون شد و منجر به بازگشت وی در اوت ۱۹۷۹ گردید. دیوان بر این نظر است که رضا نمازی بعد از بازگشت به ایران در نوامبر ۱۹۷۸، آنقدر در این کشور نماند که تابعیت غالب امریکایی وی، که طی سالیان دراز تربیت بوسیله یک مادر امریکایی و تحصیل در ایالات متحده تکوین یافته بود، تحت الشعاع قرار گیرد. این فرض منطقی است که گذراندن بیش از دهسال در امریکا، یعنی کشوری که وی بصورت نوجوانی بدون خانواده خود به آنجا وارد و بعنوان فرد بالغ تحصیل کرده‌ای از آن جا خارج شد، تأثیر عمیقی در وی بجای گذارده بود. این فرض را عوامل دیگری مانند ثبت نام برای خدمت نظام وظیفه در امریکا، درخواست صدور گواهی‌نامه شهروندی امریکا در ۱۹۷۷ و عضویت وی در مجامع حرفه‌ای امریکا قوت می‌بخشد. بر این اساس، احتمال دارد که حتی اگر تصمیم وی به بازگشت به ایران بالقوه حکایت از تعهدی دراز مدت داشته، رضا نمازی برای جذب در فرهنگ ایرانی و سست کردن پیوندهای محکم خود با امریکا، به مدت زمانی طولانی‌تر از نه ماهی که در ایران گذراند، نیاز داشت. در حقیقت، چنین بنظر می‌رسد که تنها نوشتن، خواندن و مکالمه سلیس فارسی مستلزم صرف زمانی درازتر از آن می‌بود.

۳۵ - دیوان یادآور می‌شود که در حکم شماره ۳-۸۳۱-۴۲۷ صادره در پرونده آنیتا پری - روحانی بند ۱۷ (منتشره در، — Iran-U.S. C.T.R. at —)، دیوان به این دلیل نظر داد که تابعیت غالب و موثر خواهان امریکایی نیست که "راجع به پیوندهای اجتماعی و فرهنگی [وی] با ایالات متحده، یا حداقل تماس وی با جامعه امریکا در مدت اقامت وی در خارج و به ویژه طی سالهای قبل از دوره ذیربط مدارک کافی نزد دیوان وجود نداشت." (خط تأکید اضافه شده است). دیوان متذکر می‌گردد که تماس رضا نمازی با فرهنگ امریکا، که بیش از ده سال طول کشید، تا کمی پیش از آخرین تاریخ ادعایی سلب مالکیت ادامه داشته است.

۳۶ - از اینرو دیوان نتیجه می‌گیرد که تابعیت غالب و موثر رضا نمازی طی دوره ذیربط، تابعیت ایالات متحده بوده است.

۳۷ - این مسأله صلاحیتی تعیین تابعیت غالب و موثر رضا نمازی، منوط و مشروط به اخطار مهمی است که دیوان عمومی به تصمیم خود در پرونده شماره الف ۱۸، (مذکور در فوق) افزوده است، بدین شرح که: "تابعیت دیگر خواهان می‌تواند از لحاظ ماهیت دعوی همچنان ذیربط و معتبر بماند."

چهارم. رای

۳۸ - بنا به مراتب پیشگفته،

دیوان به شرح زیر رای صادر می‌کند :

الف - ادعای لوز بلن نمازی علیه جمهوری اسلامی ایران به دلیل فقد صلاحیت رد می‌شود.

ب - از لحاظ صلاحیت دیوان، تابعیت غالب و موثر رضا نمازی، تابعیت ایالات متحده است.

ج - دیوان متعاقبا" راجع به درخواست خواهانها برای صدور دستوری دائر برالزام خوانده، ایران، به ارائه اسناد، ضمائ و سایر مدارک، تصمیم خواهد گرفت و طی دستور جداگانه‌ای برنامه زمانی تسلیم لوایح و مدارک راجع به کلیه موضوعات باقیمانده دیگر را تعیین خواهد کرد.

لاسه، به تاریخ ۲۲ تیر ۱۳۶۹ برابر با ۱۳/۷/۱۹۹۰



گایتانو آرانجیو - روئیتس

رئیس شعبه سه

به نام خدا



پرویز انصاری معین



ریچارد سی. الیسون

مخالف با قسمتی و

موافق با قسمتی دیگر